

نقش ورزش در زندگی جانبازان دفاع مقدس در گفت‌وگوی «جوان» با عبدالرضا جوکار

آنچه خدا به من داد بیش از دو پایایی بود که گرفت

گفت‌وگو
دینا حیدری

می‌دانست دیر یازود یکی از آن خمپاره‌ها ممکن است او را هم مانند خیلی‌های دیگر درگیر کند. به چشم دیده بود بسیاری را که به شهادت رسیده یا زخمی شده بودند. همان روزها که با دو چرخه بعد از هر انفجار خود را به محل حادثه می‌رساند برای کمک کردن به عنوان نیرویی مردمی می‌دانست ترک نکردن شهر تاوان سنگینی می‌تواند داشته باشد اما مثل همه آنهايي که حاضر به رفتن از دژ فول‌ننده بودند ماند و تاوانش را هم داد اما وجبی از خاک کشورش را نه. این اما همه کاری نبود که برای ایران عزیزش کرد. سال‌ها بعد به ششکلی دیگر برای کشورش افتخار آفرین شد. او که در ۱۰سالگی پاهایش را راده بود، سال‌ها بعد با تمام توان به ششکلی متفاوت برای کشورش جنگید. این بار در عرصه ورزش و مدال‌های رنگارنگی که به از مغنان آورد و بارها و بارها پرچم پر افتخار کشور ایران را بر فراز دنیا به اهتزاز در آورد آن‌چون هم بر این باور بود پاهایش مال او نبود. چیزی بود که خدا داده و خودش هم گرفته بود. پس دلیلی برای دلخوری یا ناراحتی نداشت و شاید همین نگاه بود که باعث شد با وجود ۷۰صد جانبازی افتخارات زیادی کسب کند.

عبدالرضا جوکار را همه به عنوان یک ورزشکار موفق و مدال آور می‌شناسند، در حالی که او قبل از ورزشکار بودن جانبازی است که هر دو پایش را به دلیل ایستادگی و مقاومت تقدیم خاک کشورش کرده‌است. ۵۱۶ سال ۱۳۹۸ در یک روز نسبتاً سرد زمستان که سه ماه از جنگ گذشته بود ۱۰ سال داشت. به عنوان نیروی مردمی مثل همیشه برای کمک رفته بودیم. کار هر روزمان بود. با دوچرخه می‌چرخیدیم. هر جا حادثه‌ای رخ می‌داد می‌رفتم که اگر کمکی از دستمان برمی‌آید انجام دهم. به خانه برگشته بودم. در چند قدمی خانه بودم که تر کش گلوله یک توپ

زندگی‌ام را تغییر داد. مجروح و جانباز شدن در آن سن کم سخت نبود؟ چطور یا آن کنار آمدید؟

مگر می‌شود سخت نباشد؟! اوایل خیلی سخت بود. برای کسی که روی پای خودش راه می‌رفت در آن سن کم خیلی سخت بود اما اراضی‌ام به رضای خدا خودش داده بود خودش هم گرفت. هر چند در ازای چیزی که گرفت خیلی چیزهای دیگر به من داد که یکی از آنها موفقیت در ورزش بود که به واسطه آن نه فقط توانستم دل مردم عزیز کشورم را شاد کنم که پرچم پر افتخار ایران را نیز در آسیا و دنیا به اهتزاز در آوردم و ارزش اینها خیلی بیشتر از دو پایایی بود که دادم.

چه شد که به ورزش رو آوردید؟

گاهی شاهد تصاویری از ورزشکارانی چون نوذری‌فراز تلویزیون بودم. با نوذری‌فر در آسایشگاه امام تهران هم تخته بودم. او هم مشابه من بود. زمان جنگ مجروح شده بودم. می‌دیدم که بعد از خدمت به کشورش و مجروح شدن حالا دارد به شکل دیگری خدمت می‌کند. همین مسئله باعث شد تا توجه به علاقه‌ای که به ورزش داشتم با راهنمایی‌های او و همچنین طاهری که هنوز هم در کنار من است، وارد ورزش شوم.

دزفول یکی از شهرهای نزدیک به جنگ بود. با مقاومت مردم که هرگز آن را خالی نکردند در روزهای جنگ مردم توجهی هم به ورزش داشتند؟

بله. دزفول خط مقدم نبود اما بعضی‌ها ما را هم در امان نمی‌گذاشتند و مدام با گلوله‌های توپ، بمب و... مورد حمله قرار می‌دادند اما مردم نه تنها هرگز حاضر به ترک شهر نشدند که اجازه ندادند روح زندگی از شهر دور شود. رزمندگان برای رسیدن به جبهه همواره توقف کوتاهی در دزفول داشتند. پس بالا بودن روحیه دزفول می‌توانست باعث بالا رفتن روحیه رزمندگان شود. مردم روند عادی زندگی را در شهر حفظ کرده بودند. کار می‌کردند، ورزش می‌کردند و مسابقات محلی برگزار می‌کردند. همیشه، انگیزه و روحیه خود را حفظ می‌کردند و ورزش در این راستا کمک شایانی می‌کرد.



ورزش به عبدالرضا جوکار که در ۱۰سالگی ترکش‌های یک گلوله توپ او را قطع نخاعی کرده بود چه کمکی کرد؟

انقدر به من کمک کرد که به جرئت می‌توانم بگویم اگر ورزش نمی‌کردم، شاید نمی‌توانستم مقابل بسیاری از مشکلات تاب بیآورم اما ورزش جسم و جان آدم را می‌سازد و قوی می‌کند. البته من قبل از مجروحیت هم در مدارس فعالیت‌های ورزشی داشتم. بعد از آن هم رشته‌هایی چون پیکنگ، والیبال، بسکتبال و... را امتحان کردم اما در آن زمان، ورزش جانبازان و معلولین خیلی فعالیت نداشت و بسیاری از شهرستان‌ها امکانات و هیئت فعال

نداشتند. تا سرانجام سال ۶۸ جشنواره‌ای در استان خوزستان برگزار شد که در رشته ویلچرانی توانستم در تیم منتخب استان راهی مسابقات کشوری شوم و آنجا نیز چهارم شدم. بعد از آن با راهنمایی‌های نوذری‌فر که از جانبازان و ورزشکاران قدیمی دوومیدانی جانبازان و معلولین بود و همچنین آقای طاهری به رشته پرتاب نیزه روی آوردم و سال ۷۳ نتیجه تلاش‌هایم را با راهنمایی به تیم ملی گرفتم.

آیا توانستید به آنچه می‌خواستید برسید؟

خدا را شکر بله اولین مدالم را در نخستین مسابقه‌ای می‌گرفتم. در برلین گرفتم آن هم طلا. در حالی که هیچ تجربه‌ای از حضور در مسابقات بیرون مرزی نداشتم. آخرین مدالم هم نقره‌ای بود که در رقابت‌های پاراسیای جاکارتا گرفتم. در طول این مدت هم هر بار به مسابقاتی اعزام شدم به لطف خدا روی سکورفتم و موفق شدم پرچم کشور عزیزم را به اهتزاز در آورم و از هیچ رقابتی دست‌خالی نبرگشتم. هفت مدال در پنج پارالمپیک آتلانتا، سیدنی، آتن، یکن و لندن به دست آوردم که در آتلانتا و سیدنی هر کدام دو مدال یکی در پرتاب دیسک و دیگری در پرتاب نیزه به دست آوردم و در المپیک لندن هم افتخار پرچمداری کاروان ایران را داشتم و در طول این سال‌ها به لطف و یاری خدانیچنه تلاش‌هایم را گرفتم.

راه کسب این موفقیت‌ها کشیدید؟

به آنچه می‌خواستم رسیدم چون هدفم مشخص بود اما مشکلات فراوانی بود که شاید اگر ورزشکار نبودم نمی‌توانستم مقابل آنها ایستادگی کنم. یادم می‌آید مسال اولی که به تیم ملی راه یافته بودم، زخم بستر گرفتم. یا باید عمل می‌کردم که در آن صورت باید تیم ملی را رها می‌کردم یا با درد و سختی‌های آن کنار می‌آمدم. من دومی را انتخاب کردم. چه روزهایی که هم تیمی‌ها و دوستانم روزی چند مرتبه با ناسمانم را عوض می‌کردند. مشکلات زیادی داشتم. امکانات خیلی کم بود. الان هم زیاد نیست مخصوصاً برای معلولین و ورزشکاران اما خدا را شکر که توانستم خدمتی هرچند اندک به مردم کشورم کنم.

با توجه به سختی‌هایی که به عنوان یک جانباز ورزشکار متحمل شدید چه انتظاری از مسئولان دارید؟

مشکلات زیادی وجود دارد. به عنوان یک جانباز ورزشکار سفرهای بیرون مرزی زیادی داشتم. می‌دیدم که در بسیاری از کشورها شرایط برای معلولین و جانبازان به همان اندازه افرادی عادی فراهم است اما اینجا ما شهرهایمان مناسب حال جانبازان و معلولین نیست. مانعی توانیم به سادگی از خانه بیرون برویم و با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌شویم. من می‌توانم تحمل کنم اما خانواده و فرزند ۱۰ساله من بایدگر معلولان هم می‌توانند؟

اسمال در ۷۴ کیلو کسی حریف ابراهیم نیست. مسابقات شروع شد. ابراهیم همه را یکی یکی از پیش‌رو برمی‌داشت. با چهار کشتی که برگزار کرد ابراهیم را به خاطر اخلاقی و رفتارش خیلی دوست داشت و آقای گودرزی هم خیلی خوب به ابراهیم فنون کشتی را یاد می‌داد و می‌گفت: «این پسر خیلی آرومه اما تو کشتی وقتی زیر می‌گیری، چون قد بلند و دستای کشیده و قوی داره مثل پلنگ حمله می‌کنه و تا امتیاز نگیری ول کن نیست.» برای همین اسم ابراهیم را پلنگ خفته گذاشته بود. خیلی مواقع می‌گفت: «به روز، این پسر رو تو مسابقات جهانی می‌بینی، مطمئن باشی.»

در مسابقات قهرمانی آموزشگاه‌ها وقتی دید دوست صمیمی خودش در وزن او، یعنی ۶۸ کیلو شرکت کرده است، ابراهیم یک وزن بالاتر رفت و در ۷۴ کیلو شرکت کرد. در آن سال درخشش ابراهیم خیره‌کننده بود و جوان ۱۸ ساله قهرمان ۷۴ کیلو آموزشگاه‌ها شد. تاجر خاص ابراهیم در فن لنگ و استفاده به موقع و صحیح از دستن قوی و بلند خود باعث شده بود به یک کشتی گیر تمام عیار تبدیل شود. جوانمردی شهید‌های در مسابقات قهرمانی باشگاه‌ها در سال ۱۳۵۵ یکی از خاطرات خواندنی و قابل تأمل این شهید بزرگوار است. در این مسابقات، مقام اول هم جایزه نقدی می‌گرفت و هم به انتخابی کشور می‌رفت. ابراهیم در اوج آمادگی بود. هر کس یک مسابقه‌ای او می‌دید این مطلب را تأیید می‌کرد. مربیان می‌گفتند



نمی‌داد و به دوستانش توصیه می‌کرد: «اگر ورزش رو برای خدا انجام بدین عبادت است اما اگر به هر نیت دیگری باشین ضرر خواهید کرد.»

پوزیای ولی زمانه

شهید‌های به ورزش باستانی و کشتی می‌پرداخت و

پهلوانان دیروز، قهرمانان امروز

کتابه
شیوانوروزی

روزگار سختی راسبری کردند و یک تنه مقابل همه دنیا ایستادند اما نه تنها کوتاه نیامدند و از آرمان‌ها و اهدافشان عقب ننشستند بلکه پس از پایان جنگ تمحیلی در جبهه‌ای دیگر اهدافشان را دنبال کردند. پس از پایان هشت سال دفاع مقدس جانبازان سرافراز تلاش کردند دین خود را به ششکلی دیگر به وطن ادا کنند. ورزش قهرمانی عرصه جدیدی بود برای آنهايي که از تلاش برای گرفتن حق واقعی خود هرگز خسته نمی‌شوند.

شروع جنگ تمحیلی جوانان عبور کشور را به جبهه‌های حق علیه باطل کشاند و برخی به شهادت رسیدند و پاداش رشادت‌های خود را گرفتند و جانبازان که از فیض شهادت محروم ماندند همچنان در میدان مختلف حضور فعال دارند. بسیاری از این جانبازان پس از اتمام جنگ و به رغم محدودیت‌های جسمانی‌ای که داشتند یا به عرصه ورزش گذاشتند. در هشت سال دفاع مقدس ورزش کشور هرگز تعطیل نشد و پس از جنگ با ورود جانبازان، ورزش معلولین جان دوباره‌ای گرفت. تعداد زیادی از رزمندگانی که در زمان جنگ دچار آسیب، قطع عضو یا حتی آسیب نخاعی شده بودند با همان روحیه جنگندگی همیشگی به میدان ورزش آمدند تا این بار توانایی‌هایشان را در این عرصه محک بزنند.

قهرمانان دیروز در این سال‌ها با درخشش در آوردگاه‌های مختلف پهلوانان امروز ورزش لقب گرفته‌اند. الحق والاصاف با آمدن جانبازان نگاه‌ها به ورزش معلولین تغییر کرد و همه به سمت حرفه‌ای‌گری و توجه ویژه به این عزیزان قدم برداشتند. ورزشکاران جانباز در کنار ورزشکاران معلول تمرین کردند و هرگز دست از تلاش نکشیدند. آنها به معنای واقعی کلمه ثابت کردند که معلولیت محدودیت نیست. یا گذاشتن به عرصه قهرمانی قطعاً برای جوانان برومندی که روزگاری خود اهل ورزش بودند دشواری‌های خاص خود را دارد اما همانطور که اشاره شد روحیه جنگندگی و تسلیم‌ناپذیری، آنها را در رسیدن به افتخاری دیگر یاری کرد تا امروز ورزش جانبازان و معلولین ایران یکی از برترین‌های جهان محسوب شود. عملکرد کاروان پارالمپیک تهران به خوبی این ادعا را ثابت می‌کند؛ پارالمپین‌ها ما هر بار که به بازی‌های پارالمپیک رفته‌اند با درو کردن مدال‌های خوشرنگ بارها سرود ایران را در جهان طنین‌انداز کرده‌اند. بازی‌های پاراآسیایی نیز ورزشکاران کشورمان جزو قدرت‌های قاره آسیا محسوب می‌شوند.

اقتداری را که ورزش معلولین ایران امروز به آن افتخار می‌کند علاوه بر پشتکار معلولین، مدیون جانبازانی هستیم که به رغم مشکلات جسمانی امیدوارانه وارد کوف شدند و امید و انگیزه را به بخش‌های دیگر ورزش کشور تزریق کردند. بسیاری از این افتخارآفرینان حالا پا به سن گذاشته‌اند ولی با این حال همچنان با مهارت و کوشش خود را برای رقابت‌های آینده آماده می‌کنند. با در نظر گرفتن نقش تأثیرگذار ورزش جانبازان انتظار می‌رود مسئولان نیز دین خود را به این قهرمانان ادا کنند. بی‌توجهی، نادیده گرفتن تلاش‌ها و عمل نکردن به وعده‌ها همان گلابه‌های همیشگی ورزشکاران ایرانی از مدیرانی است که وظایفشان را به سادگی فراموش می‌کنند. با توجه به شرایط و سختی‌هایی که آنها تحمل می‌کنند تأمین امکانات سخت افزاری و حمایت‌های مادی و معنوی اصلی‌ترین خواسته ورزشکاران جانباز و معلول از مسئولان ارشد ورزش به شمار می‌رود. آنها سال‌هاست منتظرند نگاه‌های آقایان به المپیک‌ها و پارالمپیک‌ها یکسان شود و دیگر خبری از تبعیض نباشد. البته یکسان شدن جوایز و پاداش‌های مدال‌آوران بازی‌های پاراآسیایی و پارالمپیک با مدال‌آوران آسیایی و المپیک‌ها قدمی مثبت در تحقق این آرزو بود که خوشبختانه چند سالی از اجرائی شدن آن می‌گذرد. به هیچ وجه نباید و نمی‌توان زحمات و تلاش‌های شبانه‌روزی جانبازان ورزشکار را نادیده گرفت. اعتقاد راستخ، روحیه مبارز و تأکید آنها بر حفظ آرمان‌ها نعمتی برای ورزش است که باید بیش از اینها قدرشان را بدانیم. در زمانه‌ای که دشمنان از هر فرصتی برای مایوس کردن مردم استفاده می‌کنند و تبلیغاتشان علیه کشورمان را روز به روز افزایش می‌دهند، ورزش یکی از راه‌های است که می‌تواند در خنثی کردن دسیسه‌های طراحی شده نقش مهمی ایفا کند. وقتی مسدال اور جانباز ایرانی روی سکو می‌رود و مقتدرانه مدالی خوشرنگ را به گردن می‌آویزد، به دنیا نشان می‌دهد همچنان پای ارزش‌هایش ایستاده است و برای سرافرازی کشورش با دنیا مبارزه می‌کند. این همان موضوعی است که دشمنان از آن هراس دارند و بارهانیز برای زیر سؤال بردن اتحاد و باورهای این عزیزان تلاش کرده‌اند اما هر بار نقشه‌هایشان نقش بر آب شده است.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۳۴۱۶۵۴

آگهی
آقای مجتبی عبدی کارمند بانک ملی ایران، به اطلاع می‌رساند:
به موجب رأی قطعی شماره ۵/۲/۶۷۵۱ ت مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۴ هیأت تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری وزارت امور اقتصادی و دارائی از تاریخ ششم مرداد ماه سال یکهزار و سیصد و نود و هشت با احتساب مدت نوزده سال و یازده روز با پرداخت ۵روز حقوق و مبنای مربوط از خدمت بانک بازخريد می‌گردید. لذا مراتب طبق ماده (۷۳) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار برای اطلاع شما درج می‌گردد.

بانک ملی ایران
م الفد: ۳۰۷۰

فرم اشتراک روزنامه جوان

۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سبیا ۰۷-۰۰۷۵۹۵۲۳۰۱۰-۱ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید.
۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید.
۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.
۴. لطفاً کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.
۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.

نام: _____ نام و نام خانوادگی: _____ تلفن تماس: _____
نام شرکت یا موسسه: _____ کدپستی الزامی است: _____
نشانی: _____

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۸۲۵/۰۰۰
۶ ماهه	۱/۷۵۰/۰۰۰
یکساله	۳/۳۰۰/۰۰۰

توضیح: ایثار گران (خانواده معظم شهید، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.
آدرس: خیابان میرزای شیرازی، خیابان یازدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم
تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ شماره: ۸۸۳۴۱۶۵۰